نتیجه سفر سرپرست دبیرکلی فدراسیون به سوییس

فیفا به دنبال راه پرداخت ۸ میلیون دلار

حسین قهار

در پرونده مطالبات مالی فوتبال ایران از فدراسیون جهانی فوتبال دیگر مهم نیست حقیقت چیست؛ مهم این است که فیفا نمی‌تواند پول فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها را پرداخت کند. پرونده‌ای که سال به سال هم به خاطر بیشتر شدن فشار تحریم‌های آمریکا شکلی پیچیده‌تر به خود می‌گیرد. حالا فوتبال در ایران با بحران مالی روبه رو شده که سرپرست دبیرکلی راهی سوییس شد تا ضمن دیدار با مسئولان فیفا به یک راه حل مشترک برای حل این مشکل برسند. ایران رسماً به فیفا گزارش داده که در آستانه ورشکستگی قرار دارد! بلکه از این طریق آنها را مجبور کند که فکری به حال پرداخت مطالبات داشته باشند.

جیانی اینفانتینو رئیس فیفا در ماه‌های اخیر در حاشیه چند نوبت دیدار با مهدی تاج ضمن اظهار ناراحتی از مشکلات به وجود آمده قول پیگیری برای حل مشکل را داده بود. مسئولان فدراسیون در کنار چند نوبت مذاکره با جیانی اینفانتینو، برای پیگیری حقوقی و رسمی در سال‌های اخیر نامه‌نگاری‌های رسمی زیادی هم با سیستم اداری و مالی فیفا برای دریافت مطالبات انجام دادند.

درباره ناتوانی فیفا برای پرداخت پول به ایران، به صراحت به مدیران فوتبال ما تأکید شده اگر فیفا بخواهد قوانین وزارت خزانه‌داری آمریکا را برای پرداخت پول ایران نقض کند نه تنها پولی به حساب ایران واریز نمی‌شود، بلکه تمام حساب‌های فدراسیون جهانی فوتبال هم بلاک خواهد شد و این موضوع فوتبال دنیا را با یک بحران بسیار بزرگ و جدی روبه‌رو خواهد کرد.

جدی شدن این محدودیت و فشار و تهدید مستقیم ترامپ به اینفانتینو برای ممانعت از پرداخت پول به ایران به سفر فوری نماینده فوتبال ایران به سوییس برای مذاکره با فیفا منجر شد.

هدف از انجام سفر فوری ابراهیم شکوری، سرپرست دبیرکلی فدراسیون فوتبال هم این بود که بالاخره برای دریافت این مطالبات بعد از چند سال به یک راه حل مناسب با فیفا دست پیدا کنند.

ابراهیم شکوری در سفر اخیر خود به سوییس با مسئولان کمیته‌های مالی، مسئولان کمیته فدراسیون‌های عضو فیفا و مسئولان کمیته مسابقات چند جلسه را به همراه وکیل حقوقی و مالی فدراسیون برگزار کرده است. اولین موضوع مشخص کردن میزان دقیق مطالبات فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها از فیفا بوده که در نهایت مشخص شده مطالبات کل فوتبال ما از فدراسیون جهانی حدود ۸ میلیون دلار بوده که نزدیک دو میلیون دلار آن طلب باشگاه‌ها و پرونده حضور بازیکنان آنها در جام جهانی است.

به هر حال در ماه‌های اخیر شایعات زیادی درباره رقم دقیق مطالبات ایران از فیفا در رسانه‌ها منتشر شده بود که از ۵ تا ۱۱ میلیون دلار مدام در حال تغییر بود. حالا در سفر ابراهیم شکوری میزان دقیق مطالبات هم مشخص شده تا دیگر ابهامی در این زمینه وجود نداشته باشد.

گزارش وضعیت بحرانی فوتبال ایران و احتمال ورشکستگی فدراسیون و باشگاه‌ها عملاً موقعیتی را به وجود آورد که مسئولان فدراسیون جهانی فوتبال قول بدهند پیشنهادهای ارائه شده از سوی ایران و پیشنهادهای ارائه شده از سوی خودشان را با قوانین و دستورالعمل‌های فیفا و بانکی و اقتصادی مورد بررسی دقیق کارشناسی قرار بدهند و سپس تا ده روز آینده گزارش نتایج این تحقیقات را برای رفع مشکل به فدراسیون فوتبال اعلام کنند.

به این ترتیب باید دید در نتیجه فیفا با چه مکانیزمی می‌خواهد مشکل فوتبال ایران را حل کند. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که ۲ میلیون دلار باشگاه‌ها و طلب حدود ۶ میلیون دلاری فدراسیون در چند مرحله و به شکل‌های مختلف برای فوتبال ایران خرج خواهد شد. یعنی فیفا از چند طریق که مغایر با قوانین بین‌المللی نباشد و حساب‌های بانکی‌اش را در خطر بلاک شدن قرار ندهد، پول فوتبال ایران را پرداخت می‌کند. راه حل نهایی اما هنوز مشخص نیست!

جزئیاتی از پیشنهادهای ایران به فیفا

مسئولان مالی فدراسیون فوتبال با مشورت وزارت ورزش و وزارت امور خارجه و وکلای بین‌المللی، تمام راهکارهای رسمی برای دریافت مطالباتشان از فیفا را لیست کردند و سرپرست دبیرکلی فدراسیون فوتبال این راه‌حل‌ها را برای دریافت پول روی میز گذاشته است. سیستم پرداخت پول مستقیم به حساب بانکی که عملاً به خاطر تحریم‌ها شدنی نبوده است. واریز به حساب کارگزاران سفارت ایران در سوییس، واریز به حساب AFC و دریافت آن از طریق سفارت ایران در مالزی، پرداخت هزینه‌های ارزی فوتبال ایران در یک بازه زمانی طولانی از طریق فیفا. پرداخت جرایم انضباطی و بدهی‌های فدراسیون و باشگاه‌ها ناشی از احکام حقوقی و قضایی از محل مطالبات انباشته در فیفا به افراد حقیقی و حقوقی خارجی؛ پرداخت پول نقدی در چند نوبت به نماینده فوتبال ایران و انتقال آن با کمک صرافی‌ها به ایران، دریافت امکانات و تجهیزات ورزشی و حتی دارو به جای بخشی از پول مطالبات و چندین راه دیگر از جمله پیشنهادهای فوتبال ایران به فیفا برای تسویه حساب با فوتبال ایران بوده است. در کل ایران به فیفا گفته به هر طریقی که خودتان قبول دارید آمادگی دریافت پول‌ها را داریم.

گزارش وضعیت قرمز فوتبال

نماینده اعزامی ایران به سوییس نسبت به دخالت سیاست در فوتبال که برخلاف قوانین و اساسنامه فدراسیون جهانی فوتبال نیز هست انتقاداتی جدی مطرح کرده است. نمایندگان فیفا نیز حق را به فوتبال ایران داده‌اند. به فیفا این پیام رسمی فوتبال ایران ابلاغ شده که با توجه به عدم دریافت حق پخش تلویزیونی به خاطر تحریم‌های بانکی و عدم دریافت مطالبات و شکست در پروژه دریافت درآمدها، فوتبال ایران به عنوان یکی از قطب‌های آسیا در آستانه ورشکستگی قرار دارد که فیفا هم در این پرونده نقش مهمی ایفا کرده است.

نگاهی به انتخاب اسکوچیچ
تکرار انتخاب ۱۸ سال پیش برانکو

سکانس غیرمنطقی

یادداشت

فرشاد کاس نژاد @Farshadcasnejhad

۱- «با سه تیم از چهار تیم باشگاهی که در ایران هدایت‌شان را برعهده داشتم، به موفقیت‌های بزرگی در تاریخ باشگاه‌شان دست یافتم. فکر می‌کنم سرمربیگری تیم ملی ایران هم یک سکانس منطقی بود و من به چیزی بسیار ملموس رسیدم. درواقع این بزرگترین چالش حرفه‌ای من به شمار می‌رود.» این جملاتی از مصاحبه دراگان اسکوچیچ با سایت HRT کرواسی است. بدترین جملات در اولین مصاحبه پس از سرمربیگری در تیم ملی ایران.

نه آقای اسکوچیچ، این یک سکانس منطقی از زندگی حرفه‌ای شما نیست، شما به چیزی بسیار ملموس نرسیده‌اید. حتی افتخارات شما با ۳ تیم از چهار تیم باشگاهی در ایران موفقیت‌های بزرگ در تاریخ آن باشگاه‌ها نیست، مگر آنکه خونه به خونه بابل را یک باشگاه با تاریخی طولانی تصور کنید. شما در خونه به خونه سرمربی یک تیم تازه تأسیس و متمول بودید و به لیگ برتر صعود نکردید. ملوان شما احترام‌برانگیز بود و هفتمی شما در ملوان ورشکسته، تکرار نشد. شما اما بزرگ‌ترین افتخار تاریخ ملوان نیستید. بهمن صالح‌نیا در ملوان یک تاریخ ساخت اما فقط دو دوره دستیاری در تیم ملی ایران را در ۴۰ سال مربیگری‌اش کنار اوفارل و دهداری تجربه کرد. از دل این بحثی که اسکوچیچ شروعش کرده، نکته‌ای بیرون نمی‌آید که سرمربیگری او در تیم ملی را منطقی جلوه دهد. کارنامه اسکوچیچ برای سرمربیگری تیم ملی ایران بسیار کوچک است. اگر در بررسی کارنامه سرمربی تیم ملی به صعودش با خونه به خونه بابل به فینال جام حذفی اشاره کنیم، خودمان را مسخره کرده‌ایم.

۲- اسکوچیچ از روز اول حضورش در ایران نشان داد که مربی باکیفیتی است. او را نه با نتایجش، بلکه با کیفیت مربیگری و شخصیت حرفه‌ای پذیرفته‌ایم. او هنوز در فوتبال قله‌ای را فتح نکرده و امروز به این دلیل سرمربی تیم ملی ایران است که یک فرصت عجیب و غریب و یک شانس بزرگ در یک موقعیت هولناک و بحرانی در فوتبال ایران نصیبش شده. این شوخی نیست که یک مربی با کارنامه اسکوچیچ سرمربی تیم ملی ایران شود. فقط یک جمله از حرف‌های اسکوچیچ واقعیت دارد، آنجا که گفته «این بزرگ‌ترین چالش حرفه‌ای من است.» اما برای تیم ملی سخت است که در حساس‌ترین وضعیتش در راه جام جهانی قطر باید با یک مربی پیش برود که بزرگ‌ترین چالش زندگی حرفه‌ای‌اش را تازه تجربه می‌کند و در گذشته هرگز سختی‌ها و حساسیت‌هایی تا این حد را لمس نکرده است.

۳- کسی که باید انتقادات را تحمل کند، اسکوچیچ نیست. او مثل هر مربی دیگری حق داشته تلاش کند که بزرگ‌ترین موقعیت‌های حرفه‌ای را برای خود بسازد اما فدراسیون فوتبال باید پاسخگو باشد که چطور بعد از ۸ سال کار با کی‌روش و بعد از زیان احتمالی ۶ میلیون یورویی در قرارداد با ویلموتس، به اسکوچیچ رسیده، به یک مربی باکیفیت اما دور از جایگاه سرمربیگری تیم ملی که مجبور است به یک سایت خبری در کشورش در جملاتی غیرواقعی بگوید این فرصت یک سکانس منطقی در زندگی حرفه‌ای اوست. این اما یک سکانس غیرمنطقی برای تیم ملی ایران است و فدراسیون نمی‌تواند خود را از مسئولیتش کنار بکشد.

۴- واکنش‌ها به خبر انتخاب دراگان اسکوچیچ برای تیم ملی نگران‌کننده است. اتهاماتی که آشکارا یا در لفافه و متلک درباره او مطرح می‌شود، دور از انصاف روزنامه‌نگاری است. کوشش برای ایجاد بدگمانی درباره شخصیت حرفه‌ای او مذموم است. با این رویه انتقاد، فردا اسکوچیچ در معرض قضاوت‌های زشت‌تری قرار خواهد گرفت. فردا شاید لیست او را بررسی کنند و ببینند چند بازیکن تیم ملی به ایجنت او نزدیک‌اند. درباره کی‌روش کم از این اتهامات زننده نشنیدیم. هشدار اینکه اسکوچیچ می‌تواند در مقابل چنین اتهاماتی شکننده باشد. هم اتهامات به اسکوچیچ برای تیم ملی خطرناک است و هم لحن استفاده از عبارت «این آدم» برای خطاب قرار دادن اسکوچیچ، پایان نقد انتخاب او در اولین روز انتخاب اوست، کاری که باید توقعش را از منصوریان داشته باشیم.

۵- ما فراموشکاریم اما نه آنقدر که از یاد برده باشیم وقتی برانکو سرمربی تیم ملی ایران شد، کارنامه‌ای بزرگ‌تر از اسکوچیچ نداشت. او فقط دستیار بلاژویچ بود. صفایی فراهانی اما تصمیم گرفت او را به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب کند و بعد تیم امید را هم به او بسپارد. روزی که برانکو در دوره ریاست دادکان نیز با دخالت مستقیم سازمان تربیت‌بدنی وقت سرمربی تیم ملی شد، مدت‌ها بیکار بود و باز هم کارنامه‌ای جزکار در ایران نداشت. او حتی با قهرمانی بوسان، در کرواسی فرصت کار پیدا نکرد. تیم ملی ۸ سال را با کارلوس کی‌روش گذراند اما در فوتبال ایران انتخاب مربیان خارجی با کارنامه‌های کوچک چندان عجیب نیست. تصور نکنیم انتخاب اسکوچیچ در فدراسیونی که بهاروند با سابقه مدیریت خیبر خرم‌آباد رئیسش شده، عجیب است. در فدراسیون صفایی هم برانکو سرمربی تیم ملی شد، چه بسا با کارنامه‌ای کوچکتر.